

واکاوی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران جنگ (با تاکید بر نظریه تصمیم گیری)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۶/۱۵

تاریخ تأیید: ۱۳۹۱/۷/۲۸

نویسندگان: دکتر فرهاد درویشی^۱

عبدالمجید صحرانیان^۲

چکیده

مقاله حاضر در پی آن است تا با توجه به مبانی فکری حاکم بر نظام جمهوری اسلامی ایران، تصمیمات عرصه سیاست خارجی ایران در سال‌های جنگ تحمیلی را بازشناسی کند. بدون بررسی زمینه‌ها و عوامل موثر بر اتخاذ تصمیم‌های دوره جنگ، پرداختن به دلایل سیاست‌های اتخاذ شده در زمینه سیاست خارجی امکان پذیر نیست. با بهره‌گیری از نظریه تصمیم‌گیری و روش توصیفی - تبیینی، مدعای اصلی مقاله حاضر این است که ساختار منحصر به فرد در تصمیم‌سازی سیاست خارجی ایران در آن مقطع زمانی وجود داشت که عدم توافق مشخص بر سر انتخاب یک مبنای فکری واحد در عرصه سیاست خارجی (آرمان‌گرایی یا واقع‌گرایی) از مشخصات بارز آن بوده و خروجی یکدست و هماهنگی در اتخاذ تصمیمات مشاهده نمی‌شد. سیاست‌ها به صورت مقطعی و کوتاه مدت بوده و گرچه انتخاب سیاست‌های واقع‌گرایانه نیز از سوی مسئولین در مقاطعی وجود داشته ولی سیاست‌های آرمان‌گرایانه متأثر از فضای انقلاب اسلامی و تداوم دشمنی‌های قدرت‌های بزرگ با ایران انقلابی، کماکان از مشخصات اصلی سیاست خارجی ایران در این دوره بود.

کلید واژه‌ها: سیاست خارجی، آرمان‌گرایی، واقع‌گرایی، انزواگرایی، صدور انقلاب،

دکترین ام‌القرآ

۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) Email: Fdarvishi@ikiu.ac.ir
۲. کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

سیاست خارجی هر کشوری مجموعه کنش و واکنش‌هایی است که یک کشور از طریق آنها سعی می‌کند اهداف خود را در ورای مرزهایش تأمین کند. اهداف سیاست خارجی راهنمای دولتمردان بیرون از مرزهای خود است. در قانون اساسی هر کشوری معمولاً اهداف و چارچوب راهبردی سیاست خارجی تعیین شده است. جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و قانون اساسی، اساس و چارچوب سیاست خارجی نظام را مشخص کرده است. ولی حتی با وجود این عامل، هنوز میان صاحب‌نظران و تحلیل‌گران مسایل سیاسی در مورد ماهیت و عوامل تعیین‌کننده سیاست خارجی اجماع نظر وجود ندارد.

واقعیت این است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همواره در مقاطع مختلف تاریخی مابین آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در نوسان بوده است و با هیچیک از این رهیافت‌ها نمی‌توان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را به خوبی تحلیل و بررسی کرد. هیچ دوره‌ای در تاریخ سیاست خارجی ایران خالی از آرمان‌گرایی (که ناشی از فرهنگ و معتقدات مردم و مسئولین است) و واقع‌گرایی نبوده است، گرچه بر اساس شرایط خاص تاریخی میزان توجه به هریک از این رهیافت‌ها (آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی) متفاوت بوده است، با نگاهی گذرا به فرهنگ و اعتقادات مردمی و تحولات سال‌های اولیه انقلاب و حتی دوران جنگ تحمیلی می‌توان مشاهده کرد که شخصیت کاریزماتیک رهبری و مسئولین امر، و به دنبال آن مقدس بودن چنین تصمیم‌گیری برای مردم، بیش از هر چیز مشخص و مبرهن است، به گونه‌ای که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تا حدود زیادی از نقش‌ها و عوامل تصمیم‌گیر جهت گرفته و مسیر خاص خود را می‌یابد. بنابراین نگاه به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران جنگ تحمیلی را باید براساس نگاه به نقش‌ها، عوامل و تصمیمات آنها و شرایط موجود برای تصمیم‌گیری، مدنظر داشت به گونه‌ای که به نظر می‌رسد بهترین معیار برای سنجش سیاست خارجی این عصر، تبیین آن براساس نظریه تصمیم‌گیری است.

از آنجا که در بکارگیری روش تصمیم‌گیری باید به شخصیت‌های موثر بر تصمیم، محیط و امکانات لازم جهت اتخاذ تصمیم، و بخصوص مبانی فکری لازم و زمینه ساز در اتخاذ تصمیم توجه داشت، اساس کار در این مقاله نیز بر همین مبنا استوار است. به شکلی که ابتدا عوامل موثر بر اتخاذ تصمیمات را برشمرده و در ادامه کار به بررسی سیاست خارجی ایران در عصر جنگ با توجه به این عوامل موثر و مبانی فکری آنها خواهیم پرداخت.

بطور مشخص نگارندگان در این مقاله سعی دارند سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را بر اساس نظریه تصمیم‌گیری تحلیل و تبیین کرده و مشخصات، مفاهیم و تصمیمات اتخاذ شده



در این دوره را بازشناسی نمایند. بر همین اساس مقاله حاضر به دنبال پاسخگویی به این پرسش اساسی است که: با توجه به نظریه تصمیم‌گیری، روند حاکم بر جهت‌گیری اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران جنگ (سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷)، چگونه بوده است؟ فرضیه مقاله این است که: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اولیه جنگ، ناشی از عناصر موثر بر تصمیم‌گیری و بخصوص مبانی فکری حاکم، دارای جنبه‌های زیادی از آرمان‌گرایی بود اما در ادامه و با توجه به شرایط و مقتضیات حاکم بر جنگ، از حالت آرمان‌گرایی مطلق به سمت واقع‌گرایی نسبی، متمایل شد.»

الف. نظریه تصمیم‌گیری: چارچوبی برای تحلیل سیاست خارجی

یکی از سطوح تحلیل سیاست بین‌الملل، بررسی رفتار دولت‌ها (به عنوان واحدهای رسمی سیاسی) برپایه ارزیابی تصمیماتی است که سیاست‌گذاران در زمینه‌های مختلف اتخاذ می‌کنند. «تصمیمات، مطابق واژگان دیوید ایستون برون‌دادهای نظام سیاسی هستند که از طریق آنها ارزش‌ها در داخل یک جامعه به نحو اقتدارآمیزی توزیع می‌شود» (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۴: ۷۱۹). نظریه تصمیم‌گیری به دولت‌ها به عنوان موجوداتی انتزاعی و متافیزیکی، یا به حکومت‌ها یا حتی به نهادهای عامی همچون قوه مجریه توجه ندارد بلکه جویای روشن ساختن رفتار افراد تصمیم‌گیرنده مشخصی است که عملاً به خط مشی حکومت‌ها شکل می‌دهند (همان، ۷۲۱). در واقع هنگامی که رفتار بازیگران سیاسی، یعنی دولت‌ها را در صحنه روابط بین‌الملل مورد مطالعه قرار می‌دهیم، در واقع تصمیماتی را که آنها به صورت داده‌های سیاست خارجی خود وارد محیط بین‌المللی می‌کنند مطالعه می‌کنیم. این تصمیمات توسط افراد، گروه‌ها، نهادها و دستگاه‌های مختلف داخلی آن دولت‌ها اتخاذ می‌شوند و مجموعه این تصمیمات به صورت رفتار دولت‌ها در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی تجلی می‌کنند. بنابراین، چارچوب تصمیم‌گیری شامل مطالعات تحلیلی در سطح افراد و دولت‌هاست (قوام، ۱۳۷۲: ۴۱). برای بررسی یک فرآیند تصمیم‌گیری باید معیارهای مشخصی را در نظر گرفت که به عنوان معیارها و مشخصه‌های سطوح تصمیم‌گیری مشهورند و در زیر به اختصار شرح داده می‌شوند:

۱. تصمیم‌گیرندگان

در فرآیند اتخاذ تصمیمات، افراد و گروه‌های مختلف با زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، ارزشی، اعتقادی، اقتصادی و سیاسی گوناگونی دخالت دارند که برای رسیدن به نتیجه مطلوب باید به درستی آنها را مطالعه کرد و ضمناً باید در نظر گرفت که هر عنصر



تصمیم‌گیرنده دارای روش‌ها و تفکرات خاص خود بوده و عناصر تصمیم‌گیری دارای روش‌های یکسانی نیستند. همچنین باید «به کیفیت رابطه میان تصمیم‌گیرندگان نیز توجه داشت زیرا که در فرآیند اتخاذ تصمیمات با رفتارهایی از قبیل سازش، انعطاف‌پذیری، توافق و ... روبرو هستیم» (همان، ۴۳).

۲. شرایط و مقتضیات تصمیم‌گیری

باید دید سیاستمداران تحت چه شرایطی سیاستگذاری می‌کنند. شناسایی شرایط و محیط تصمیم‌گیری از مهم‌ترین فاکتورهای ارزیابی است. به عنوان مثال باید توجه داشت که آیا عوامل یا انگیزه‌هایی وجود داشته که تصمیم‌گیر را تهدید کند؟ آیا تصمیم‌گیر زمان کافی برای اتخاذ تصمیم داشته است؟ آیا تصمیم در زمان بحرانی اتخاذ شده است یا نه؟ ... پس از شناسایی این شرایط، می‌توان به این نتیجه رسید که آیا با توجه به شرایط مقتضی، یک سیاست، درست اتخاذ شده است یا نه؟ و آیا یک دیپلماسی موفق به کار گرفته شده است یا نه؟



۳. دسترسی به منابع و بهره‌گیری از امکانات جهت تصمیم‌گیری

برای اتخاذ یک تصمیم درست و عقلانی، در اختیار داشتن منابع اطلاعاتی صحیح و استفاده از امکانات بالفعل و بالقوه کافی ضروری به نظر می‌رسد. امکانات قابل دسترسی شامل نیروی انسانی متخصص، تکنولوژی و امکانات مالی لازمه اتخاذ تصمیمات درست و مؤثر در عرصه سیاست خارجی است. گاه وجود منابع اطلاعاتی گوناگون و داده‌های متفاوت و همچنین کمبود امکانات لازم برای اتخاذ تصمیمات، تصمیم‌گیری را مشکل کرده و دشواری‌هایی را بوجود می‌آورد.

۴. ساختار نظام تصمیم‌گیری

توجه به ساختار نظامی که از دل آن یک تصمیم بیرون می‌آید بسیار حائز اهمیت است. ساختار یک نظام سیاسی است که به تصمیم‌ها جهت داده و بعضاً محدودیت‌هایی را بر آنها اعمال می‌کند. ایجاد تقسیم کارهای مرسوم در یک سازمان و اتخاذ شیوه‌های رهبری و وجود فشارهای درونی و بیرونی بر فرد تصمیم‌گیر، از جمله نمونه محدودیت‌های قابل پیش‌بینی برای تصمیم‌گیری در قالب یک ساختار و نظام است بنابراین برای تحلیل یک تصمیم، توجه به ساختار نظام تصمیم‌گیری لازم است.

۵. راه‌حل‌های گوناگون تصمیم‌گیری

برای اتخاذ تصمیم معمولاً سیاستمداران با راه‌های گوناگونی مواجه می‌شوند. انتخاب راه اصلی به نوع امکانات مادی و معنوی و ابزارهای در دسترس بستگی دارد. تعیین راه مناسب مرحله سرنوشت‌ساز یک تصمیم است و عدم انتخاب درست راه، ضربات جبران‌ناپذیری بر یک تصمیم وارد خواهد کرد. بنابراین برای تحلیل یک تصمیم و سیاست، تحلیل راه‌های موجود برای تصمیم‌گیری ضروری است.

۶. پیامدهای تصمیم‌گیری

هر تصمیمی پیامدها و آثار متعددی را به همراه دارد و تصمیم‌گیرندگان برای اتخاذ یک تصمیم صحیح باید تمام آثار و پیامدهای تصمیمات را مورد توجه قرار دهند. باید نتایج واقعی تصمیمات ارزیابی شود و با نتایجی که تصمیم‌گیرندگان انتظار دارند سنجیده شود. در نظر گرفتن قابلیت‌های اجرایی و راهبردی یک تصمیم از اصول اولیه است. پس توجه به پیامدهای یک تصمیم نیز برای ارزیابی یک سیاست ضروری است.

۷. محدودیت‌ها و امکانات

در پایان باید محدودیت‌ها و امکاناتی که برای یک تصمیم وجود دارد مورد ارزیابی قرار گیرد. محدودیت‌های زمانی، ذهنی، تکنولوژیکی، محدودیت‌های ناشی از شرایط بحرانی (مثل شرایط جنگی)، محدودیت‌های ساختاری ناشی از ساختار تصمیم‌گیری، نارسایی‌های ارتباطی و... از جمله اصلی‌ترین محدودیت‌هاست و امکاناتی مانند داشتن روحیه ملی خوب برای اتخاذ یک تصمیم، امکانات آسانی بسیج مردمی، داشتن منابع طبیعی مناسب و ... از جمله امکانات مؤثر برای تصمیم‌گیری است. بنابراین در ارزیابی یک فرآیند تصمیم‌گیری باید به محدودیت‌ها و امکانات نیز توجه داشت.

حال که با مراحل تحلیل یک سیاست در چارچوب نظریه تصمیم‌گیری آشنا شدیم، سیاست خارجی عصر جنگ تحمیلی را در همین چارچوب مورد ارزیابی قرار خواهیم داد.

ب: عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ایران در دوران جنگ

برای تحلیل سیاست خارجی عصر جنگ تحمیلی در قالب نظریه تصمیم‌گیری و بر طبق چارچوب ارائه شده، نخست باید دید چه عواملی در اتخاذ تصمیمات این عصر تأثیرگذار بوده‌اند و به تصمیمات جهت داده‌اند. طبیعی است که همین عوامل مؤثر باعث شکل‌گیری



جهت‌گیری خاصی در این دوران بوده و سیاست خارجی را در قالب خاصی شکل می‌دهد. در ادامه این عوامل را به صورت مختصر مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱. تصمیم‌گیرندگان، ساختارها و بسترهای تصمیم‌گیری

برای تصمیم‌گیری در هر زمینه‌ای مجموعه‌ای از اتفاقات و عوامل به عنوان زمینه ساز و بستر تصمیم وجود دارند. بطور کلی هر تصمیمی در پی زمینه‌هایی که شکل دهنده ذهنیت‌های خاصی به افراد می‌باشند و همچنین برای برآوردن نیاز خاصی که در واقع هدف تصمیم را شکل می‌دهند، اتخاذ می‌شود. اتخاذ هر سیاست نیز به عنوان عرصه‌ای از تصمیم‌گیری در پی وجود شرایط و عوامل خاصی به عنوان بستر و زمینه و همچنین برای برآورده شدن اهداف خاصی شکل می‌گیرد. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و مجموعه‌ای از بسترها و زمینه‌های شکل دهنده به تصمیمات در این عرصه، موثر بوده‌اند. اگرچه شمار اینگونه عوامل بسیار بوده اما در مجموع می‌توان به چند عامل به عنوان زمینه‌ها و عوامل اصلی تصمیم‌ساز در عرصه سیاست خارجی اشاره کرد که بیشتر تصمیمات اتخاذی ناشی از این عوامل بوده و به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این عصر جهت می‌دهند. در ادامه به برخی از مهم‌ترین این عوامل اشاره می‌کنیم.



۱۰۲

سال اول
شماره ۴
زمستان ۱۳۹۱

۱.۱. قانون اساسی

وقوع انقلاب اسلامی ایران تنها به معنای تغییر نظام سیاسی و اقتصادی حاکم بر ایران نبود، بلکه تغییر نظام فکری و گفتمان فکری حاکم را نیز در پی داشت.

اصول مربوط به سیاست خارجی که در قانون اساسی آمده به خوبی نشان دهنده تغییر دیدگاه فکری حاکم بر جامعه ایران است. اصول زیادی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صورت مستقیم و غیرمستقیم به سیاست خارجی مربوط می‌شود اما ۴ اصل به طور مستقیم در قانون اساسی ایران وجود دارد که مستقیماً به سیاست خارجی ایران مربوط می‌شود: اصل ۱۵۲: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحابر استوار است. اصل ۱۵۳: هرگونه قراردادی که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگی، ارتش و دیگر شئون کشور گردد، ممنوع است.

اصل ۱۵۴: جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.

اصل ۱۵۵: دولت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به کسانی که پناهندگی سیاسی بخواهند پناه دهد مگر اینکه برطبق قانون ایران خائن و تبهکار شناخته شوند (منصور، ۱۳۸۳: ۸۲-۸۱). همانگونه که از اصول ذکر شده نیز مشهود است، هدف اصلی جمهوری اسلامی ایران نفی هرگونه سلطه و کسب استقلال و به دنبال آن دفاع از همه مسلمانان جهان (طبق اصل ۱۵۲) و حمایت از همه مستضعفین و مظلومان در برابر مستکبران (طبق اصل ۱۵۴) می‌باشد و «مطابق این اصول، نظام جمهوری اسلامی ایران با توجه به معیارهای مکتب خود نمی‌تواند نظاره‌گر اقدامات و مظالم مستکبران در دنیا باشد. در نتیجه، ظلم ستیزی و حمایت از مستضعفان در قبال مستکبران را از جمله اهداف خود در سیاست خارجی قرار داده است تا بدین ترتیب، وعده الهی که همانا حاکمیت مستضعفین بر جهان است، تحقق یابد. از طرفی برای تضعیف موقعیت مستکبران در برابر مستضعفان ضرورت اتخاذ سیاستی تهاجمی احساس می‌شود (مهدی زاده، ۱۳۸۱: ۵۸).

همچنین طبق اصل ۱۵۳ قانون اساسی، انجام هرگونه رابطه یا عملی که به تفوق کافر بر مسلم منجر شود حرام است و این به منزله نفی برتری شرق و غرب و در ضمن برتری و تفوق جمهوری اسلامی است.

۱.۲. فرهنگ و اعتقادات اسلامی

تایلر در کتاب «فرهنگ بدوی» فرهنگ را مجموعه پیچیده‌ای شامل دانش‌ها، باورها، هنر، اخلاق، آداب و سایر نگرش‌ها و عاداتی تعریف می‌کند که فرد به عنوان عضو یک جامعه به دست می‌آورد (نقیب‌زاده، ۱۳۸۱: ۱۶).

فرهنگ در عین حال که از طریق باورها، اسطوره‌ها، قواعد و هنجارها بر اندیشه و رفتار سیاستمداران اثر می‌گذارد، به عنوان ناظم روابط اجتماعی، شکل دهنده نهادها و تعیین کننده الگوها و جهت دهنده رفتار جمعی نیز نقش مؤثری در زندگی سیاسی به عنوان نوعی از فعالیت‌های اجتماعی ایفا می‌کند. از آنجا که سیاست خارجی ادامه سیاست داخلی تلقی می‌شود و روابط بین‌الملل نیز به مجموعه روابط جریان یافته فرامرزی از جمله روابط فرهنگی تعریف



می‌شود، پای فرهنگ به عرصه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل نیز کشیده می‌شود (همان، ۲۵). عناصر تاریخی فرهنگ ایران سه لایه دارد که: لایه اول بسیار رمزآلود و اسطوره‌مانند و اسرارآمیز است و مربوط به ایران پیش از اسلام می‌باشد، لایه دوم آن اسلام و بخصوص تشیع می‌باشد و لایه آخر آن که در قرن ۲۰ و تحت تأثیر ناسیونالیسم اروپایی در دو لایه دیگر جاگرفت، القائنات خارجی‌ان بود که سعی می‌کرد با نگاهی ناسیونالیستی و ملی، بین اسلام، تشیع و ایران باستان جدایی افکنده و ارتباط معناداری مابین ایران باستان و نگاه ناسیونالیستی و ملی‌گرایی ایجاد کند.

حال متأثر از عوامل یاد شده می‌توانیم برای فرهنگ امروز جامعه ایران و هویت ملی آن، بنیان‌ها و عناصر ریشه‌داری را ذکر کنیم که رفتار دولتمردان در تصمیم‌گیری‌ها و حتی در زمینه سیاست خارجی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به شکل خودآگاه یا ناخودآگاه در جهت‌گیری‌ها و تصمیم‌ها در عرصه سیاست خارجی مؤثر هستند، از جمله این عوامل می‌توان به خدا و طبیعت، خیر و شر، در انتظار منجی بودن و تساهل و مدارا اشاره کرد.

۱.۳. ساختارهای رسمی و غیررسمی تصمیم‌گیری (رهبر و مسئولین نظام)

علاوه بر قانون اساسی که مرجع تصمیم‌گیری در جمهوری اسلامی به شمار می‌آید تصمیم‌های رهبران نظام و بخصوص دیدگاه‌های امام خمینی (ره) که نشأت گرفته از مکتب تشیع بوده و نشانگر اسلامی بودن حرکت انقلابی ایران می‌باشد، نیز از جمله مراجع تصمیم‌گیری در ساختار جمهوری اسلامی است که به نظر می‌رسد از جمله عوامل بسیار مهم در زمینه اتخاذ سیاست و گفتمان غالب عصر جنگ بوده است. به طور مثال اصل نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی از جمله اصولی است که ضمن ذکر آن در قانون اساسی، از احادیث و آیه‌های قرآنی (بخصوص قاعده نفی سبیل) نشأت گرفته و بنابراین نشأت گرفته از مکتب اسلام و تشیع می‌باشد که در وضعیت رادیکال مذهبی اوایل انقلاب به شکل بسیار پررنگی مشهود بوده است. همچنین اصل صدور انقلاب و شعارهای اسلامی ناشی از آن، کاملاً در چارچوب قواعد و اندیشه‌های اسلامی بوده و بطور مستقیم از باور مذهبی مردم و بخصوص مسئولین و دیدگاه مذهبی آنها ناشی از وضعیت اسلامی ایران اوایل انقلاب ناشی می‌شده که در تصمیم‌گیری‌ها و ساختار تصمیم‌گیری دوران جنگ به عنوان زمینه‌های فکری کاملاً مؤثر بوده است.

در تکمیل این بحث باید اشاره‌ای به نظریات جیمز روزنا داشته باشیم که ساختار تصمیم‌گیری را دارای ۵ متغیر عامل شخصیت، عامل نقش و تشکیلات، عامل اداری و بروکراتیک، عامل متغیرهای ملی و عامل متغیر سیستماتیک می‌داند. با توجه به تقسیم‌بندی

روزنا به نظر می‌رسد در دوره جنگ تحمیلی نقش شخصیت، عامل تعیین‌کننده‌ای بوده است. شخصیت‌های مورد نظر را می‌توان در رهبری، رؤسای سه قوه و اعضای شوراهای امنیت ملی خلاصه کرد. همچنین باید به نقش ساختارهای غیررسمی نیز توجه کرد که صدا و سیما، حوزه‌های علمیه و دانشگاهها نمونه‌هایی از اینگونه ساختارها به شمار می‌روند.

۲. محدودیت‌ها و امکانات مؤثر بر تصمیم‌گیری

اتخاذ هر تصمیمی در عرصه سیاست خارجی همواره با محدودیت‌هایی روبروست که برای تحلیل یک سیاست خاص در مقطع زمانی مشخص، پرداختن به اینگونه عوامل لازمه کار است. همچنین در اینگونه تحلیل‌ها باید به امکانات احتمالی در دسترس برای سیاست‌گذاران در زمان مورد بررسی جهت تصمیم‌گیری نیز توجه کرد و میزان اهمیت این فاکتورها را مورد تحلیل قرار داد. در ادامه بحث، سعی شده مهم‌ترین محدودیت‌ها جهت تصمیم‌گیری و همچنین تأثیرگذارترین امکانات در عرصه سیاست خارجی عصر جنگ تحمیلی به بحث گذاشته شود.

۲.۱. فشارهای نظام بین‌الملل

دخالت‌ها و فشارهای نظام بین‌الملل و بدبینی جامعه جهانی به انقلاب اسلامی از عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری‌های دوران جنگ تحمیلی بوده است. فشارهای کشورهای جهانی نسبت به ایران اسلامی و همراهی و همسویی اهداف آنان با رژیم بعثی و عدم حمایت مؤثر از ایران در قبال حمله عراق، شدیداً بر بدبینی مردم و بخصوص مسئولین نظام افزوده و باعث واکنش شدیدتر و تهاجمی‌تری از سوی ایران اسلامی شدند. نگاهی به واکنش‌های جامعه بین‌المللی در قبال حمله عراق به ایران کاملاً نشان می‌دهد تقریباً هیچ واکنش در خور توجهی در حمایت از ایران به عمل نیامده و این مسئله بر بدبینی ایرانیان به جامعه بین‌المللی افزود و باعث تشدید شعارهای انزواگرایانه و مقابله‌جویانه شد. همچنین بدبینی تاریخی مردم و مسئولین ایران نسبت به برخی از کشورهای قدرتمند نیز در اتخاذ تصمیمات عصر جنگ بی‌تأثیر نبود.

۲.۲. ضعف روزافزون رژیم بعث

با تداوم جنگ تحمیلی و برتری نسبی ایران، عوامل دیگری نیز در اتخاذ تصمیمات تأثیرگذار بودند که از مهم‌ترین آنها احساس ضعیف بودن و جایگاه متزلزل حزب بعث و در رأس آن صدام حسین در عراق بود که باعث شد مسئولین نظام نسبت به تداوم جنگ اصرار ورزند



و حاضر به پذیرش آتش بس نشوند. به عنوان نمونه می‌توان به نظرات مسئولین نظام در این دوران اشاره کرد. مثلاً در همین زمینه آیت الله رفسنجانی در سال ۱۳۷۳ در تشریح نظریات امام خمینی (ره) در مورد ادامه جنگ می‌گوید: «امام می‌فرمودند جنگ ما ماهیت دفاعی دارد، ولی چون می‌خواستند همه مردم عراق آزاد شوند، موافق نبودند که جنگ تعطیل شود، می‌گفتند ادامه پیدا کند تا مردم عراق آزاد شوند، اما عبور از مرز برایشان مشکل بود که بپذیرند، آخر هم محدود پذیرفتند، آنجایی که مردم نباشند. لذا ما عملیات رمضان را تاروند طراحی کرده بودیم و عبور از دجله هدف ما نبود» (فروغی، ۱۳۷۴: ۲۴۹).

۲.۲. آسانی بسیج مردمی و آزادی مسئولین در اتخاذ تصمیمات

از جمله نکات بسیار مهمی که در تصمیمات دوران جنگ تحمیلی موثر واقع شد، همراهی بی‌چون و چرای مردم با مسئولین و به خصوص قدرت کاریزماتیک رهبر انقلاب و حتی برخی از دیگر شخصیت‌های مسئول نظام بوده است. به گونه‌ای که هیچگونه نظریات مخالفی از سوی مردم علیه مسئولین نظام و تصمیمات آنها ابراز نمی‌شد و دست مسئولین امر در اتخاذ تصمیمات بسیار باز بوده و حتی در مواقعی که احساس نیاز به کمک مردم داشتند مردم دریغ نکرده و با آنها همکاری می‌کردند. اصولاً برای هر دولتی یکی از مهم‌ترین عوامل در گرفتن تصمیمات، همراهی مردمی و قبول عمومی آن تصمیم است. به طوری که عدم همکاری مردمی بسیاری از سیاست‌های دولت‌ها را مختل کرده و مسئولین را برای اتخاذ برنامه‌های مد نظر خود دچار مشکل می‌کند.

خصوصیت مردم ایران در سال‌های اولیه بعد از انقلاب اسلامی و بخصوص دوران جنگ تحمیلی به گونه‌ای بود که به راحتی قابلیت بسیج توسط مسئولین را داشته و برای هر خدمتی بدون هیچ‌گونه اعتراضی آماده بودند. طرح ارتش ۲۰ میلیونی و حتی فعالیت‌های جهاد سازندگی در دوران بعد از جنگ، نشان دهنده آسانی قابلیت بسیج مردم و به دنبال آن آسانی تصمیم‌گیری برای مسئولین نظام بوده است. بنابراین قابلیت همکاری بی‌چون و چرای مردم با مسئولین، از مهم‌ترین عوامل تصمیم‌گیری در عصر جنگ تحمیلی محسوب می‌شود.

عوامل دیگری نیز در قوت و ضعف ایران اسلامی در عصر جنگ مؤثر بوده که می‌توان از برخی از آنها به عنوان عوامل محدود کننده عرصه تصمیم‌گیری و از برخی به عنوان عوامل امکان‌ساز برای تصمیم‌گیری بهتر نام برد. از جمله عوامل محدود کننده می‌توان به ناهماهنگی مقامات عالی‌رتبه نظام در اتخاذ یک روش مشخص به ویژه در سال‌های اول جنگ در زمینه توقف واردات هرگونه سلاح و مهمات یا قطعات یدکی از اصلی‌ترین منبع خرید سلاح ایران



۱۰۶

سال اول

شماره ۴

زمستان ۱۳۹۱

یعنی آمریکا، عدم مشخص بودن یک ساختار تصمیم‌گیری مؤثر به علت تداخل امور و ساختار متعدد تصمیم‌گیری، کمبود شدید کادر افسران آموزش دیده، ضعف سیستم اداری و پشتیبانی که سبب شد تا نیروهای مسلح از بکارگیری همان میزان تجهیزات و سلاح‌ها و قطعات یدکی که داشتند محروم بمانند، افزایش آمار فراریان از خدمت وظیفه و ... اشاره کرد. همچنین از جمله عوامل امکان‌ساز برای تصمیم‌گیری می‌توان به وجود یک ارتش بزرگ که شاه پیش از انقلاب آن را تشکیل داده بود، شکل‌گیری نیروهای مسلح جدید و شور انقلابی مردم اشاره کرد.

۳. شرایط و مقتضیات، منابع اطلاعاتی و امکانات در دسترس جهت تصمیم‌گیری

برخی از صاحب‌نظران، تصمیمات سیاست خارجی را به سه بخش عمده تقسیم می‌نمایند: اولاً تصمیمات برنامه‌ریزی شده، که تصمیماتی هستند عمده که از پیامدهای بلندمدتی برخوردار بوده و به دنبال مطالعه، تأمل و ارزشیابی مفصل کلیه گزینه‌ها اتخاذ می‌شوند. این تصمیمات تکرار شده، خوب تعریف شده و برای حل مشکلات، راه‌کارهایی از قبل وجود دارد. اطلاعات در مورد مسائلی که باید در مورد آنها تصمیم بگیریم تا حد قابل توجهی وجود داشته و همچنین احتمال اینکه آن راه‌حل‌ها به نتیجه برسد زیاد است.

دوم: تصمیمات تاکتیکی مهمی که معمولاً از تصمیمات برنامه‌ریزی شده مشتق شده و می‌توانند مورد ارزشیابی مجدد، تجدید نظر، لغو و ابطال قرار گیرند.

سوم: تصمیمات بحرانی که در ادواری اتخاذ می‌شوند که تهدید شدیدی پیش آمده، زمان پاسخگویی محدود بوده و میزانی از غافلگیری وجود دارد که به خاطر عدم وجود پاسخ‌های از پیش برنامه‌ریزی شده، نیازمند ارائه پاسخی اختصاصی می‌باشند (ملکی، ۱۳۸۵: ۱۱۹).

حال با توجه به این تقسیمات باید دانست که شرایط و مقتضیات عصر جنگ یک شرایط بحرانی است و اکثر پاسخ‌ها به شکل از پیش برنامه‌ریزی شده نبوده، منابع اطلاعاتی بسیار محدود بوده و بنابراین تصمیمات مقطعی و معمولاً کوتاه مدت می‌باشد. به عنوان مثال با اینکه دوری از آمریکا و شوروی از اصول مهم انقلاب بود با وجود این، رابطه تسلیحاتی مخفیانه‌ای با آمریکا شکل گرفت (حادثه ایران کنتر) که اگرچه اصول اولیه انقلاب را نادیده می‌گیرد اما نشان دهنده این نکته است که تصمیمات در عرصه سیاست خارجی آن زمان به شکل مقطعی و کوتاه مدت بوده است. بنابراین عدم امکانات در دسترس، عدم اطلاعات و زمان کافی، وجود وضع بحرانی بر اثر جنگ، وجود مشکلات اقتصادی و ... تصمیم‌گیری در عصر جنگ را شدیداً تحت تأثیر قرار داده و از حالت برنامه‌ریزی شده و بلند مدت خارج کرده و به تصمیمات مقطعی متمایل کرده است.



۴. وجود راه‌حل‌های مختلف برای تصمیم‌گیری

تصمیم‌گیری در عرصه سیاست خارجی همواره از بین راه‌حل‌های متفاوتی صورت می‌گیرد. گرچه بسته به زمان و مقتضیات خاص یک تصمیم، تعداد راه‌حل‌ها متفاوت است. به عنوان مثال کشورهای تصمیم‌گیر، در شرایط صلح با آزادی عمل و با در اختیار داشتن راه‌حل‌های متعددی تصمیم‌گیری می‌کنند اما شرایط جنگی برای یک کشور امکان اتخاذ راه‌حل‌های متفاوت و متعدد را از بین برده و شرایط را برای تصمیم‌گیری سخت می‌کند.

تصمیم‌گیران عرصه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز در دوره جنگ در شرایط و مقاطع مختلف، راه‌حل‌های متفاوتی را انتخاب می‌کردند. اگرچه اتخاذ سیاست‌های واقع‌گرایانه در طول دوران جنگ تحمیلی کم نبود اما تعداد راه‌حل‌های آرمان‌گرایانه در طول جنگ بسیار بیشتر بوده و گرچه ساختار تصمیم‌گیر ما در انتخاب یک راه آرمان‌گرا یا واقع‌گرا توافق نظر نداشتند ولی معمولاً تصمیمات اتخاذی بخصوص در سال‌های اولیه جنگ در حوزه سیاست‌های آرمانی قرار می‌گرفت ولی در ادامه جنگ سیاست‌ها متعادل‌تر شده و به سمت واقع‌گرایی متمایل می‌شود.

مجموعه عوامل ذکر شده به همراه بسیاری از عوامل ریز و درشت دیگر، یک ساختار منحصر به فرد تصمیم‌گیری را در سال‌های اولیه جنگ تشکیل داده بود که اتخاذ سیاست تهاجمی و کاملاً بدبینانه نسبت به خارج و انزوایابی، دوری از قدرت‌های شرقی و غربی، تلاش برای آزادی مستضعفین جهان و برهم زدن نظم موجود، از مشخصه‌های اصلی آن به شمار می‌رفت.^۱ در ادامه جنگ اگرچه دولتمردان جمهوری اسلامی سعی کردند از اصول مسلم سیاست خارجی انقلابی عدول نکنند اما به هر حال با توجه به نیازهای روزافزون ایران اسلامی بیشتر به سمت واقع‌گرایی متمایل شدند.

۵. مشخصات سیاست خارجی در دوران جنگ (بررسی مبانی فکری و نظری تصمیمات)

با توجه به عوامل مؤثر مطرح شده در عرصه تصمیم‌گیری عصر جنگ تحمیلی، به این موضوع می‌پردازیم که تصمیمات عرصه سیاست خارجی چه مشخصاتی داشته و چگونه اتخاذ شده‌اند.



۱۰۸

سال اول

شماره ۴

زمستان ۱۳۹۱

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه رجوع کنید به:

درویدیان، محمد (۱۳۸۳)، علل تداوم جنگ، نقد و بررسی جنگ ایران و عراق، جلد سوم، چاپ اول، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

۵.۱. آرمان‌گرایی / واقع‌گرایی

اصولاً آرمان‌گرایی به همراه واقع‌گرایی مهم‌ترین رهیافت‌هایی هستند که هر تصمیمی را در دل خود جای می‌دهند بطوری که پس از اتخاذ هر تصمیمی از هر سیاستمداری به راحتی می‌توان تحلیل کرد که آیا آن تصمیم آرمان‌گرایانه بوده یا واقع‌گرایانه؟ در این بین «درحالی‌که رهیافت واقع‌گرایی اساساً رهیافتی تجربی و پراگماتیک است، رهیافت آرمان‌گرایانه بر اصول سنتی سیاست خارجی، شامل هنجارهای بین‌المللی، مجموعه قوانین حقوقی و ارزش‌های اخلاقی مبتنی است» (مهدی زاده، ۱۳۸۱: ۵۹).

اساس تصمیم‌های آرمان‌گرایانه بر اصول اخلاقی متکی است و با نگاهی خوشبینانه به جهان و عرصه روابط بین‌الملل، معتقد است کلیه مشکلات جامعه بشری را می‌توان با استفاده از روح همکاری و وحدت که در وجود هر انسانی است، حل کرد و ترویج اخلاقیات و چاره‌کار روحیه نوع‌دوستی در میان ملت‌هاست و چون اصول اخلاقی را به جای رقابت و منازعه (که از اصول واقع‌گرایی است) قرار می‌دهد، امید بیشتری به کارآمدی و حل مشکلات دارد. طبق باور آرمان‌گرایان، قدرت اخلاقی به دلیل ماندگاری بیشتر، از قدرت فیزیکی، کارآمدتر است.

اما نکته قابل ذکر و قابل تأمل در بحث از رهیافت‌های آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در جهان کنونی، میزان کارایی و تأثیرات هر کدام از این رهیافت‌هاست. واقعیت این است که بخصوص از نیمه دوم قرن بیستم و پس از تشکیل سازمان‌های بین‌المللی، با گسترش وابستگی‌های متقابل میان دولت-ملت‌ها، عقلانی‌تر شدن امور و دوری هرچه بیشتر از تصمیمات احساسی و غیرعقلانی، رواج رهیافت واقع‌گرایی بسیار بیشتر از آرمان‌گرایی بوده است و این واقع‌گرایی بوده که نه تنها کارایی بیشتری داشته، بلکه آرمان‌گرایی را تقریباً به کلی منسوخ کرده است. همین که در جهان کنونی هر دولتی براساس قدرت، شرایط، امکانات و نیازهای خاص خود تصمیم می‌گیرد، دلیلی بر عقلانی شدن امور و به تبع آن بکارگیری هرچه بیشتر رویکرد واقع‌گرایانه است. امروزه هر دولتی برای اتخاذ تصمیمات خود اولاً باید توانایی‌ها و نیازهای خود را ببیند و دوم به دیگر کشورها، ساختار نظام بین‌الملل و شرایط بین‌المللی توجه داشته باشد، به گونه‌ای که اتخاذ هر تصمیمی، بدون در نظر گرفتن عقلانیت و بدون سنجش توانایی‌ها و نیازهای خود و دیگران و بطور کلی بدون توجه به نظام بین‌الملل می‌تواند عواقب سنگین و غیرقابل جبرانی را برای هرکشوری داشته باشد.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در عصر جنگ تحمیلی را می‌توان مابین آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در نوسان دانست به شکلی که به جز سال‌های اولیه جنگ که کشور اسلامی



با توجه به چنددستگی و عدم هماهنگی مابین مسولین نظام دچار ابهام و آشفتگی در سیاست خارجی بود، در سال‌های بعدی و بخصوص در جریان آزادسازی خرمشهر سیاست خارجی ایران (که به شکل یکدستی اداره می‌شد) بیشتر به سمت آرمان‌گرایی متمایل شده و با توجه به حمایت‌های جهانی از دولت عراق، مخالفت‌های آرمان‌گرایانه‌ای از سوی ایران نسبت به جهان خارج ابراز می‌شد، اما در سال‌های بعد، با توجه به افزایش فشارهای کشورهای بزرگ، ضعف اقتصادی ایران و کاهش قدرت صدور نفت، دوره‌ای از تعدیل در مواضع ایجاد شد که همزمانی آن با تلاش‌های قدرت‌های جهانی و نظام بین‌المللی برای پایان دادن به جنگ و جلوگیری از پیروزی ایران در جنگ، به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ منجر شد و ایران را به اتخاذ مواضع واقع‌گرایانه و به رسمیت شناختن سازمان‌های بین‌المللی و بخصوص سازمان ملل متحد، وادار کرد.

در خصوص امام خمینی (ره) توان گفت ایشان از هر دو عنصر واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی برخوردار بودند. پرفسور روح الله رضوانی در اینباره می‌گوید: «آیت‌الله خمینی به عنوان داور نهایی مسائل ایران، شخصاً نه یک آرمان‌گرای محض است و نه یک واقع‌گرای ناب، برای این امر دو دلیل، وجود دارد. نخست، با توجه به سیال بودن سیاست گروه‌های ایرانی، آیت‌الله خمینی با ایفای نقش متوازن کننده‌ای که بسته به شرایط، وزن خود را به کفه این جناح می‌افزاید منافع کلی کشور را در نظر دارد، دوم: عملکرد کلی ایشان به عنوان رهبر مخالفین اسلامی رژیم شاه و بلندپایه‌ترین رهبران ایران از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸ روشن می‌سازد که رهبری ایشان آمیزه‌ای پیچیده از آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی است؛» (رضوانی، ۱۳۸۰: ۶۹)، همین نقش متعادل کننده امام (ره) باعث ایجاد توازن و یکدستی در اتخاذ تصمیمات می‌شد.

۵.۲. همزیستی / تجدید نظر طلبی

همانگونه که قبلاً ذکر شد «انقلاب اسلامی در شرایطی به پیروزی رسید که نظام دو قطبی بر جهان حاکم بود و اگرچه رویدادهایی بیانگر نزدیکی دو ابر قدرت بود با وجود این، فضای جامعه جهانی همچنان تحت سلطه نظام دو قطبی بود. براساس تعریف و پذیرش این نظام، کشورهای ضعیف‌تر برای حفظ موجودیت خود چاره‌ای به جز رفتن به زیر چتر حمایتی یکی از دو ابر قدرت نداشتند» (محمدی، ۱۳۷۷: ۱۰۹). اما انقلاب اسلامی ایران با پیامی جدید نه تنها پذیرای ساختار حاکم بر نظام بین‌الملل نبود بلکه با ارائه الگویی بدیل (تعالیم اسلامی) سعی در تغییر نظام بین‌المللی و بیداری دیگر مسلمانان جهان داشت.

بنابراین تجدید نظر در ساختار جهانی و برخورد با چارچوب‌های این نظام از اهداف و اصول اساسی انقلاب اسلامی ایران بوده که در سیاست خارجی نیز نمود پیدا کرده است.

سیاست‌هایی که در زمینه مبارزه با شرق و غرب و نفی تسلط آنها بر مستضعفان جهان، اتخاذ می‌شد همگی نشان از وجود یک سیاست خارجی تجدیدنظرطلبانه و تغییرخواهانه در سطح نظام بین‌المللی، می‌باشد. در همین زمینه دکتر علی اکبر ولایتی تأکید دارد: «دولت اسلامی، نه تنها موظف به تلاش و اقدام در جهت دگرگون ساختن پایه‌های قدرت‌های ظالم و روابط ظالمانه جهانی است، بلکه اساساً امنیت واقعی و حیاتی مطلوب در سایه این تغییر تأمین می‌شود» (ولایتی، ۱۳۶۵: ۳). پرواضح است که اتخاذ چنین سیاستی با مقاومت شدید دولت‌های حامی وضع موجود و ساختار شکل گرفته، مواجه خواهد شد و از همین رو، اتخاذ این سیاست، دشمنی بسیاری از کشورها را (اکثراً کشورهای قدرتمند) به همراه داشت.

۵.۳. صدور انقلاب / حفظ نظام

بحث صدور انقلاب به این معناست که جمهوری اسلامی ایران ارزش‌ها و آرمان‌های انقلابی خود را در تمامی جهان گسترش خواهد داد و روشنگری را در دستور کار خواهد داشت. روشنگری در سیره سیاسی حضرت امام(ره) یکی از مؤلفه‌هایی بود که چه در شکل‌گیری نهضت و چه در پیروزی انقلاب و صدور آن نقش اساسی را ایفا کرده است. آشنایی مردم با اسلام راستین و فرهنگ عاشورا، یکی دیگر از مشخصه‌های اندیشه امام در شکل‌گیری انقلاب و صدور آن است. امام با زدودن پیرایه‌هایی که بر چهره اسلام بسته شده بود، می‌خواستند ملت‌ها را با اسلام ناب محمدی(ص) آشنا سازند و زمینه هدایت آنان به سوی رهایی از بند استکبار را فراهم کنند و این حقیقت را روشن سازند که دین از سیاست جدا نیست و اسلام راستین ابعاد گوناگونی دارد و محدود به عبادات شخصی نیست، بلکه سیاست و حکومت‌داری نیز بخش مهمی از احکام اسلام است. توجه به توده ملت‌های رنج کشیده دنیا و مستضعفین جهان از دیگر ویژگی‌های این اندیشه امام(ره) است.

درواقع پیش‌فرض بحث صدور انقلاب به این مسأله باز می‌گشت که توده‌های مستضعف جهان در بند استکبار گرفتارند و تنها راه رهایی آنها، چنگ زدن به ارزش‌های اسلامی و انقلابی ایران است. لذا برای آشنایی توده‌های مستضعف با این آرمان‌ها، بایستی ارزش‌های انقلاب از طرق مختلف به کشورهای دیگر صادر شود.

در مورد روش صدور انقلاب در بین صاحب‌نظران اختلاف بود، درحالی‌که برخی مسئولین اوایل انقلاب، با بهره‌گیری از شور و شوق انقلابی به صدور انقلاب از طریق روش‌های غیر فرهنگی (بخصوص استفاده از جنگ ایران و عراق) اعتقاد داشتند، عده کمی از مسئولین



اعتقاد به صدور فرهنگی انقلاب و ارزش‌ها داشته و هزینه‌های روش غیرفرهنگی و بعضاً نظامی را بسیار بالا می‌دانستند. در مورد روش و نظر امام(ره) در این زمینه چندان توافقی نیست ولی به نظر می‌رسد ایشان بیشتر به صدور انقلاب از روش فرهنگی اعتقاد داشتند. چنانچه در ضمن سخنرانی در جمع اعضای شورای عالی تبلیغات اسلامی می‌فرمایند: «ما می‌گوییم می‌خواهیم انقلاب‌مان را صادر کنیم، نمی‌خواهیم با شمشیر باشد بلکه می‌خواهیم با تبلیغ باشد...» (سخنرانی امام، ۱۳۶۲/۶/۲). صرف‌نظر از نظریات مسئولین باید گفت که هر چه از سال‌های اولیه انقلاب به سال‌های دشوار جنگ نزدیک می‌شویم، این نظریه بیشتر جا می‌افتد که روش‌های نظامی برای صدور انقلاب، حتی کیان سرزمین ایران اسلامی را نیز به خطر می‌اندازد و استفاده از روش‌های فرهنگی مناسب‌تر است. و بنابراین حفظ کشور در اولویت قرار می‌گیرد. (دکترین ام‌القرآ)

از آنجایی که مشخصه اصلی ارزش‌های انقلابی، بیداری توده‌های مستضعف و زیر سلطه استعمار و استبداد است، پس اصل بر سخن گفتن با ملت‌هاست و بنابراین صحبت با ملت‌ها در این دوره جای صحبت با دولت‌ها را گرفته و اساس سیاست خارجی قرار می‌گیرد. ایجاد ارتباط با جنبش‌ها و ملت‌های آزادی‌بخش دقیقاً آن چیزی بود که کشورهای منطقه از آن هراس داشتند و همگی ایران را به عنوان کشوری که به دنبال گسترش دکترین منطقه‌ای خود از طریق پیام‌های ارزشی ناشی از انقلاب است، می‌شناختند.

در مجموع در اوایل انقلاب و سال‌های اولیه جنگ تحمیلی، قدرت هواداران تزرابطه با ملت‌ها به مراتب بیشتر بود اما با ادامه جنگ و افزایش هزینه‌های آن، بروز اشکال در روابط خارجی کشور و ضرورت گشودن درهای دیپلماسی با دولت‌ها، قدرت مخالفان این تزرابطه بیشتر شده و دکترین ضرورت حفظ ام‌القرآ در مرکز سیاست‌های خارجی ایران قرار گرفت.

۵.۴. اصل نه شرقی نه غربی / همکاری و رابطه

این سیاست از منظر بستر ایدئولوژیک بر پایه اصول ولایت، نفی سبیل و توحید استوار است و بر طبق آن ایران سلطه ابرقدرت‌های شرقی و غربی را نفی کرده و این موجب محتاط شدن رابطه با کشورهای غیراخلاقی است. علاوه بر بستر ایدئولوژیک که بیشتر بر پایه دین اسلام قرار دارد، بستر سیاسی سیاست نه شرقی و نه غربی، بر سیاست عدم تعهد استوار است و آزادی و استقلال، عدالت و صلح پایدار را خواستار است. «بدین معنا که ایران خواهان ایجاد رابطه صحیح و سالم به معنای احترام و همکاری متقابل و پذیرش

استقلال کشورها در جهت تأمین صلح و امنیت است و در جهت ایجاد رابطه صحیح با تمام دولت‌ها، اصل سلطه و وابستگی را نفی می‌کند» (بخشایشی اردستانی، ۱۳۷۵: ۱۰۰). با توجه به این سیاست، ایران، برخلاف قبل از انقلاب که در صف کشورهای غربی و لیبرال قرار داشت، اینبار بدون تعهد و بی‌طرف باقی ماند و تمام تلاش خود را برای بهره‌گیری از سیاستی مشابه با سیاست موازنه منفی انجام می‌داد. همان‌گونه که قبلاً نیز تکرار شد اصل نفی سبیل و ممنوعیت سلطه کافر بر مسلمانان به طور کامل در این اصل معنا یافته بود.

محمدی برای ذکر تفاوت‌های اصل نه شرقی نه غربی با دیگر اصول مشابه روابط بین‌الملل مانند اصل بی‌طرفی، موازنه مثبت و موازنه منفی، سه مشخصه را برای این اصل (نه شرقی نه غربی) بر می‌شمرد:

«الف: اصل مزبور نه تنها تز تعادل قوا را برای حفظ صلح جهانی مطرود و مردود می‌داند بلکه آن را اصلی ظالمانه و تنها برای منافع قدرت‌های بزرگ و استعمارگر می‌داند و...»

ب: جمهوری اسلامی ایران اصل دو قطبی شدن جهان و حفظ تعادل بین دو ابر قدرت را کلاً مردود دانسته و از دیدگاه خود به دو ابر قدرت به عنوان مجموعه واحدی از استکبار جهانی که حقوق ملل محروم و مستضعف حتی ملت‌های خودشان را پایمال می‌کنند نگاه می‌کند.

ج: جمهوری اسلامی نه تنها وابستگی به هیچیک از ابر قدرت‌ها را منطقی و اصولی نمی‌داند و سیاست عدم تعهد را در این محدوده پیروی می‌کند بلکه برای از بین بردن نظام موجود حاکم بر روابط بین‌الملل تلاش و مبارزه می‌کند» (محمدی، ۱۳۷۷: ۴۸).

در مجموع و به عنوان جمع‌بندی این بخش از مقاله باید اذعان داشت که سیاست خارجی ایران طی سال‌های جنگ تحمیلی در حدفاصل بین دو سر طیف در معیارهای یادشده در نوسان بود و همان‌گونه که قبلاً نیز ذکر شد امام خمینی (ره) نقشی متعادل‌کننده و جهت‌دهنده در سیاست خارجی ایران را طی آن سال‌ها ایفا می‌کردند.

۶. بررسی نتایج و پیامدهای تصمیمات اتخاذ شده

در قسمت پیشین، برخی از مهم‌ترین مبانی فکری و نظری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که زمینه‌ساز اتخاذ تصمیمات در عصر جنگ بودند بررسی شد، حال به صورت مجمل، روابط ایران را با کشورهای جهان و سازمان‌های بین‌المللی که موید پیاده شدن این مبانی فکری در رفتار عملی سیاست خارجی ایران بود را مورد بررسی قرار می‌دهیم.



بر اساس مبانی شکل‌دهنده سیاست خارجی کشور، به خاطر جو سوءظن و بدبینی که بر روابط متقابل ایران با کشورهای دیگر حاکم بود، دشوارترین مقطع روابط دیپلماتیک ایران با جهان خارج در این دوره شکل گرفت. بر همین اساس است که جنگ با کشور عراق در چارچوب جنگ اسلام (ایران) و کفر (عراق) تعبیر می‌شود، و بنابراین تا نابودی و ریشه‌کنی کفر باید جنگید. در طول دوره جنگ تحمیلی، بدبینی خاصی نسبت به ایالات متحده وجود داشت، «این کشور به منزله رهبر جهان کفر و همه نیروهایی که علیه اسلام و انقلاب اسلامی بسیج شده بودند، محسوب می‌شد. بر اساس این برداشت، اصولاً جنگ عراق علیه ایران اقدامی تلقی می‌شد که از جانب ایالات متحده طراحی و اجرا شده است. به همین دلیل، بلافاصله پس از آغاز تهاجم عراق، امام خمینی (ره) تجاوز عراق را بهای مخالفت ایران با آمریکا خواندند» (مهدی زاده، ۱۳۸۱: ۶۳). ضمن اینکه اقدامات آمریکا بخصوص از سال‌های میانی جنگ که احتمال پیروزی ایران بیشتر بود، در این نگاه مردم ایران بی‌تأثیر نبود. در واقع ایالات متحده از قدرت‌گیری ایران و تغییر موازنه قدرت در منطقه نگران بود، لذا کمک‌هایش را به عراق افزایش داد.^۱

سیاست شوروی نیز در حالیکه در ابتدا بر بی‌طرفی در جنگ استوار بود، پس از فتح خرمشهر به طرفداری از عراق متمایل شد و این کشور در این مرحله سیل کمک‌های نظامی، اقتصادی و استراتژیک خود را به عراق سرازیر کرد که این سیاست بدبینی بیشتر مسئولان و مردم ایران را نسبت به این کشور به همراه داشت، البته شایان ذکر است از همان ابتدای انقلاب و با طرح اصل نه شرقی نه غربی و حمایت از مستضعفان، روابط دو کشور تیره شده بود. کشورهای منطقه نیز به دلیل اینکه انقلاب اسلامی بر ساختار سیاسی متزلزل و محافظ کار این کشورها تأثیر می‌گذاشت در طول جنگ از عراق حمایت کردند و کمک‌های اطلاعاتی، سیاسی و تبلیغاتی خود را در اختیار آن کشور گذاشتند. این اقدامات در حالی انجام شد که ایران به دلیل سیاست‌های ضد اسرائیلی می‌توانست عنصری قدرتمند در معادلات منطقه‌ای باشد و اوضاع را به سود کشورهای منطقه و به زیان اسرائیل تغییر دهد. بی‌توجهی کشورهای منطقه به این موضوع نشان می‌داد علاوه بر وابستگی و تأثیرپذیری سیاست‌های این کشورها از آمریکا، آنچه در تغییر خط‌مشی این کشورها در برخورد با ایران تأثیر داشت بیش‌تر متأثر از ملاحظات داخلی بود تا منطقه‌ای» (درودیان، ۱۳۸۳: ۱۲۴). به

۱. بعدها وقتی رامسفلد، وزیر دفاع آمریکا، درباره سیاست‌های آمریکا در حمایت از صدام در دهه ۱۹۸۰ میلادی و ملاقات با وی سوال شد در پاسخ گفت: «به یاد داشته باشید که در آن زمان ایران و عراق در جنگ بودند دوستان ما در منطقه نگران این بودند که ایران پیروز خواهد شد. ما عمیقاً نگران بودیم پیروزی ایران موجب بی‌ثباتی در کل منطقه شود.» نگاه کنید به: مصاحبه رامسفلد با بخش رادیویی شبکه CBS، روزنامه کیهان، شنبه ۱۳۸۱/۸/۲۵، ص ۱۴.

هر حال کشورهای منطقه از قدرت‌گیری ایران شدیداً هراس داشتند و سیاست‌های ایران نیز در ترس و دلهره آنها بی‌تأثیر نبود، بنابراین بنای دشمنی را با ایران گذاشتند و روابط با کشورهای منطقه نیز تیره ماند. گرچه هرچه از سال‌های اولیه جنگ به سمت سال‌های میانی و پایانی جنگ می‌رویم به دنبال کاسته شدن از آرمان‌گرایی‌های سال‌های اولیه گرایش ایران به ارتباط با کشورهای دیگر بیشتر شده و روابط محدودی را با تعداد معدودی از کشورها برقرار می‌کند.

در مورد کشورهای دیگر جهان نیز می‌توان گفت که حداقل در سال‌های اولیه جنگ، با توجه به اینکه ایران اسلامی در آن مقطع جهان را به دو دسته اسلام و کفر تقسیم می‌کرد، اغلب کشورهای پیرو شوروی و آمریکا را در زمره کشورهای کفر قرار می‌داد و بنابراین با آنها مخالفت می‌کرد. در ضمن کمک‌های برخی از کشورهای آمریکایی و اروپایی به عراق نیز در این بدبینی بی‌تأثیر نبود. تنها کشورهایی که می‌توان آنها را از سایرین در هم‌پیمانی با ایران و مخالفت با عراق متمایز کرد، لیبی و سوریه بودند که براساس اصول استراتژیک خود از ایران از حمایت کردند، هرچند که کمک‌های آنها در قیاس با کمک‌هایی که تقریباً از همه جهان به عراق می‌شد بسیار ناچیز بود.

روابط با سازمان‌های بین‌المللی بخصوص با سازمان ملل متحد نیز وضعیت بهتری نداشت و اصولاً ایران اسلامی سازمان ملل را آلت دست کشورهای غربی بخصوص ایالات متحده می‌دانست و به آن بی‌توجه بود.

نتیجه‌گیری

نظریه تصمیم‌گیری یکی از مهم‌ترین و کارآمدترین رهیافت‌ها برای ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران جنگ تحمیلی است، چرا که در این دوره زمانی بیشتر سیاست‌های اجرایی در چارچوب تصمیمات اتخاذی از سوی نقش‌های مملکتی قرار داشته و به دلیل مشروعیت و خاصیت کاریزماتیک نقش‌ها، به آسانی مورد قبول مردم می‌گرفتند. شور و شوق حاصل از انقلاب و آرمانی بودن نگاه مردم و مسئولین به آینده ایران، دنیای اسلام و جهان، باعث ایجاد نوع خاصی از نگرش در سیاست خارجی شد و روابط خارجی ایران را شدیداً تحت تأثیر خود قرار داد. از اینروست که بیشتر تصمیمات اتخاذ شده در سال‌های اولیه جنگ جنبه آرمانی به خود گرفته بود و تمام تلاش دست‌اندرکاران سیاست خارجی جمهوری اسلامی، ساختن جهانی بهتر با در نظر گرفتن معیارهای اخلاقی مذهب تشیع بود. بر این اساس، نظام جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اولیه انقلاب و



سال‌های اولیه جنگ، خود را با توجه به مبانی فکری موثر بر تصمیم‌گیری به عنوان دولتی حامی مستضعفین و محرومین معرفی کرد و مخالفت با نظم حاکم بر جهان را به نفع مردم ستم‌دیده و وظیفه خود فرض نمود. البته باید توجه داشت این اخلاق محوری و تأکید بر پیاده کردن عناصر اخلاقی در روابط بین‌الملل بعضاً با واقعیات نظام جهانی تعارض داشت و روابط دیپلماتیک ایران را با کشورهای دیگر دچار مشکل کرد.

سیاست‌هایی مانند حمایت از مستضعفان جهان، تشکیل حکومت واحد جهانی، مبارزه با استکبار و استعمار جهانی و... همگی نشان از انتخاب رویکردی آرمان‌گرا در سال‌های اولیه جنگ دارد که تلاش خود را برای برهم زدن نظم حاکم بر جهان به کار گرفته بود. نگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این دوره نگاهی کاملاً منفی به جهان کنونی بود. از منظر این نگاه، تنها راه خروج از این وضعیت، همراهی مردم جهان با انقلاب اسلامی و شورش سراسری بر علیه استکبار و استعمار داخلی و خارجی است. بر اساس این رویکرد، ارتباط با ملت‌ها بهتر از توجه به دولت‌ها است. بیداری ملت‌ها اصل است، چون که بسیاری از دولت‌ها (تقریباً همه دولت‌ها) با استکبار و استعمار جهانی در محروم گذاشتن مردم هم‌پیمانند. به دنبال این نوع نگرش، صحبت با ملت‌ها جای صحبت با دولت‌ها را می‌گیرد و به دنبال آن دشمنی دولت‌ها و کشورهای دیگر که اقدامات ایران را برای موجودیت خود خطرناک می‌دیدند، برانگیخته شد. بطوریکه ایران تقریباً به جز لیبی و سوریه هم پیمان دیگری نداشت.

سال‌های میانی جنگ تا سال‌های پایانی آن که مشکلات کشور برای اداره جنگ آشکارتر شد، به تدریج نیاز ایران به ارتباط با جهان خارج بیشتر احساس شد و مسئولین بیش از پیش، به ایجاد رابطه با کشورهای دیگر ترغیب شدند، گرچه نگاه کاملاً بدبینانه و سخت‌گیرانه در مورد قدرت‌های شرق و غرب همچنان ادامه یافت. از این دوره، حفظ کشور در اولویت قرار گرفت و دکترین ام‌القرآ طرح‌ریزی شد که بر طبق آن حفظ و نگهداری انقلاب و به دنبال آن ایران اسلامی در درجه اول اهمیت قرار داشت. در جمع‌بندی نهایی باید گفت هرچه از سال‌های اولیه جنگ به سال‌های پایانی آن نزدیک می‌شویم از شدت سیاست‌های رادیکال کاسته شده و بر میزان سیاست‌های ملایم‌تر مصلحت‌آمیزتر در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران افزوده شد.



منابع

- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۶) **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: چاپ چهارم، انتشارات قومس.
- بازرگان، مهدی (۱۳۶۲) **بازیابی ارزش‌ها (جلد دوم)**، چاپ دوم، تهران: انتشارات آوای نور.
- بخشایشی اردستانی، احمد (۱۳۷۵) **اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: چاپ اول، انتشارات آوای نور.
- دروودیان، محمد (۱۳۷۵) **علل تهاجم و توقف اولیه عراق: بررسی نظریه‌های موجود، مجله سیاست دفاعی (ویژه جنگ تحمیلی)**، سال چهارم، شماره ۳ و ۴.
- دروودیان، محمد (۱۳۷۶) **آغاز تا پایان (سالنامه تحلیلی)**، سیری در جنگ ایران و عراق، جلد ششم، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- دروودیان، محمد (۱۳۸۳)، **علل تداوم جنگ، نقد و بررسی جنگ ایران و عراق**، جلد سوم، چاپ اول، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- دوثرتی، جیمز و فالتزگرافت، رابرت (۱۳۸۲) **نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل**، چاپ دوم، تهران: انتشارات قومس.
- دینر، ژوهانس (۱۳۶۸) **مسأله تجاوز و نقش دریافت جهانی از جنگ ایران و عراق**، چاپ شده در **بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع**، جلد دوم، تهران، انتشارات سپهر.
- رمضانی، روح‌الله (۱۳۸۰) **چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، ترجمه علیرضا طیب، تهران: چاپ اول، انتشارات نی.
- فروغی، قاسم (۱۳۷۴) **عزت راز جاودانگی**، چاپ اول، تهران: انتشارات بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۷۷) **اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل**، چاپ سوم: تهران: انتشارات سمت.
- کارش، افرایم (۱۳۶۸) **جنگ ایران و عراق: آثار و مفاهیم**، شامل سلسله مقالات ارائه شده در کنفرانسی که پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در تل آویو برگزار شد، ترجمه خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران.
- محمدی، منوچهر (۱۳۷۷) **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، اصول و مسایل، تهران: چاپ اول، انتشارات دادگستر.
- ملکی، عباس (۱۳۸۵)، **بکارگیری مدل‌های جدید در سیاست خارجی**، چاپ شده در **نگاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، نشرین مصفا، چاپ اول، تهران، مرکز انتشارات وزارت امور خارجه.



منصور، جهانگیر (۱۳۸۳) **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**، چاپ هفدهم، تهران: انتشارات دوران.
مهدی‌زاده، اکبر (۱۳۸۱)، مبانی فکری و نظری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، **نگین ایران (فصلنامه مطالعات جنگ ایران و عراق)**، سال اول، شماره ۲، موسسه مطالعات سیاسی، فرهنگی اندیشه ناب.
نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۱) **تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

سخنرانی‌ها:

سخنرانی امام در دیدار با اعضای شورای عالی تبلیغات اسلامی در ۱۳۶۲/۶/۲
سخنرانی امام در دیدار با اعضای شورای سرپرستی صدا و سیما در مورد لزوم اصلاح برتامه‌ها در ۱۳۶۲/۷/۱۰
سخنرانی امام به مناسبت شهادت شهید رجایی و باهنر با موضوع انسجام ملت‌های مستضعف در مقابل قدرت‌ها در ۱۳۶۰/۶/۱۰
سخنرانی موسوی اردبیلی، به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی در دهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۷/۱۱/۲۲

مصاحبه‌ها:

مصاحبه رامسفلد با بخش رادیویی شبکه CBS، روزنامه کیهان، شنبه ۱۳۸۱/۸/۲۵

